



○ هنر مفهومی

○ موزه هنرهای معاصر تهران

○ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱

مجموعه‌ی حاضر تحت عنوان هنر مفهومی Conceptual ART

به معرفی آثار ارائه شده در نخستین نمایشگاه هنر مفهومی ایران که از مرداد تا مهر ۱۳۸۰ برگزار شد می‌پردازد.

اصولاً هنر مفهومی را با مفهوم به عنوان محتوای آثار هنری نمی‌توان

یکی دانست، بلکه شکلی انتزاعی از اندیشه و تفکری است که در ذهن هنرمند از معنا و اثر هنری به وجود می‌آید و در صورت‌های گوناگون عرضه می‌شود. به دیگر سخن هنر مفهومی عرضه کردن اثر هنری معاصر است که اندیشه‌ای خاص که معمولاً نیز فردی، پیچیده و کلی است به شکلی انتزاعی و بر اساس نفی زیبایی‌شناسی به وجود می‌آید.

هنرمندان هنر مفهومی در آثار ارائه شده، تلاش کرده‌اند چستی و طبیعت هنر را به روشی صریح و با ارایه مفاهیم اشیاء به شکل‌های گوناگون و معرفی لغوی و توضیحات نوشتاری مورد پرسش قرار دهند، بدون آنکه به صورت خیالی اثر اهمیت داده شود. گاه علاوه بر چستی اشیاء، واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک، موضوع کار وی را تشکیل می‌دهد. اما نکته قابل توجه آن است که بدون درک تجارب، خصوصیت جست و جوگرانه و تحولات هنر مدرن، هنر مفهومی و تظاهرات گوناگون آن تنها صورت مسخ شده‌ای از هنر را به نمایش می‌گذارند. هنرمندان هنر مفهومی با شیوه‌هایی چون انسٹالیشن Instalation هنر چیدمان، مینی‌مالیسم، پرفرمانس و... تلاش کرده‌اند آنچه را هنرمندان پاپ آرت بدون نظریه‌پردازی هنری به صورت آشفته مطرح کرده‌اند، با زیبایی‌شناسی متناسبی معنا کنند. این هنر به عنوان جنبشی در کنار سایر جنبش‌های هنری دهه شصت با قصد ارجح دانستن مفهوم موردنظر هنرمند بر چگونگی ارایه آن نمایان و با معنایی گسترده‌تر، سایر جریان‌های هنری هم‌عرض خود را دربرگرفت و بر بسیاری از جنبش‌های هنری پس از خود و نحوه ارایه آثار هنرمندان به شدت تأثیر گذاشت. نخستین نمایشگاه هنر مفهومی ایران به دبیری عبدالمجید حسینی‌راد در نمایش آثار، بیش از هر چیز براساس ارجحیت مفهوم مورد توجه هنرمند به وجود آمد و به شیوه‌های مختلف از چیدمان گرفته تا پرفرمانس و به شکل چندرسانه‌ای اجرا شدند. این نمایشگاه تلاش کرد با ایجاد شرایط مناسب برای عرضه فعالیت هنرمندان و به ویژه فراهم کردن زمینه‌های شناخت هنر معاصر و تظاهرات گوناگون آن، هنر تجسمی امروز ایران را در سطحی متناسب با توانایی‌های هنرمندان ایرانی و درجهت هماهنگی با هنر ملی به نمایش گذارد.

نمایشگاه در اولین گام جدی تلاش کرد آثار هنر مفهومی را با بدیع‌ترین عناصر، مواد و ابزار بیان مفهومی و تجسم زنده هنری به نمایش بگذارد؛ با اینکه برخی از آثار نتوانستند از هویت بومی و تأثیرات هنر ایرانی در آثار خود بهره بگیرند.

می‌توان گفت هنر کانسیپچوال علی‌رغم کثرت آثاری که عرضه کرده است کمتر از هر جنبش هنری قرن بیستم، شاهکارهای موزه‌ای به بار آورده است، اما تأثیر آن بسیار شایع و فراگیر بوده. گویی که ویژگی انتزاعی و غیرمادی آن این امکان را به آن داده است تا در همه جا نفوذ کند، بر تمایلات هنری معاصر خود اثر بگذارد و حتی بر آن دسته از تمایلات هنری در دهه ۱۹۷۰ که زمینه فرم حال و هوای محافظه‌کارانه‌ای داشته‌اند تأثیری خاص بگذارد. می‌توان از این جهت هنر مفهومی را مشابه سوررآلیسم دانست، چرا که آن هم فاقد سبک بصری منسجمی بود و علاقه‌ی وافری به معنا و موضوع نشان می‌داد و آن را برتر از هر چیز دیگر می‌دانست. هر دو معرف اندیشه‌هایی بودند که توانایی سازگاری فوق‌العاده‌ای داشتند، چرا که استفاده از آنها در معرض این خطر قرارشان نمی‌داد که از لحاظ سبک‌شناسانه، اشتقاقی یا فرعی به نظر آیند.

یکی از آثار ارائه شده در این نمایشگاه مربوط به مرتضی ممیز و نمایش چاقوهای او بوده است. او می‌گوید هرچه بگویید، باز یک تعریف جامع نمی‌توانید از کانسیپچوال ارایه دهید. هنر مفهومی از این جهت برای ممیز جذاب است که دارای نگاه تیزتر، روشن‌تر و بازتر هنر نسبت به محیط زندگی و جامعه است و این امکان را ایجاد می‌کند تا بار دیگر با دقت و تفکر ویژه‌ای به اطراف و زندگی نگریسته شود.

احمد نادعلیان نیز با ارائه اثری با نام «رودخانه هنوز ماهی دارد» معتقد است، آنچه ضرورت دارد، فقط تجربه یک جریان هنری نیست بلکه استفاده مطلوب از آن برای مفاهیم است. بهره‌گیری از هنر دوره‌های گذشته و یا ملل دیگر می‌تواند یک آغاز باشد نه سرانجام.